

فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

سال چهارم - شماره ۴ - زمستان ۹۲

صص ۱۴۰-۱۱۹

تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی،

عاطفی و عملکردی

محمود شرفی^{۱*}، زینت شرفی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۸

چکیده

هدف از این پژوهش تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش زمینه‌یابی تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر جهرم اعم از دختر و پسر می‌باشد. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر دختر و ۱۵۰ نفر پسر) با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند و با پرسشنامه محقق ساخته با روایی و پایایی قابل قبول مورد سنجش قرار گرفتند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی کندال، آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که: در بعد شناختی بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش آموزان به ترتیب عبارتند از: شناخت مفهوم پلورالیسم دینی، روش‌های پژوهش دینی و آشنایی با ادیان دیگر و پایین‌ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در زمینه شناخت مفهوم توکل به خداوند بوده است. در بعد عاطفی، بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش آموزان به ترتیب عبارتند از: آموزش در خصوص چگونگی احساس تعهد و پایداری نسبت به مسئولیت در زمان غیبت امام زمان(ع) و پایین‌ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در زمینه اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان بوده است. در بعد عملکردی بالاترین اولویت نیازهای آموزشی دانش آموزان عبارتند از: آموزش در زمینه مشارکت در نماز جمعه و پایین‌ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در خصوص چگونگی روزه گرفتن بوده است. مقایسه نیازهای دختران و پسران نشان می‌دهد؛ دختران در مقایسه با پسران در نیازهای شناختی تفاوت معنی داری دارند، ولی هیچ‌گونه تفاوت معنی داری بین دختران و پسران در بعد عاطفی و عملکردی دیده نشده است. دانش آموزان در انتخاب مهارت‌ها اولویت قائل هستند

^۱ - استادیار، گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

^۲ - کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، مدرس گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

* - نویسنده مسئول: mahmoodsharafi 21@ yahoo.Com

و در حیطه شناختی نیاز بیش‌تری به آموزش دارند و این نیازها به ترتیب شامل شناختی، عملکردی و عاطفی است.

واژه‌های کلیدی: تربیت دینی، نیازآموزشی، رویکرد عقلانی، ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی.

مقدمه

دغدغه درونی و دل‌مشغولی اندیشمندان دینی آن است که نسل جدید جامعه را به برکت تربیت دینی نسلی مومن به ارزش‌ها و عامل به فضایل اخلاقی و احکام الهی بار آورند. اگر افراد جامعه زندگی خود را بر مدار دین و خداباوری معنا کنند سلامت و سعادت جامعه در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تضمین می‌شود. با توجه به اهمیت و ضرورت دین و تربیت می‌توان گفت تربیت دینی: «جنبه‌ای از تعلیم و تربیت ناظر بر پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عمل‌متربی از لحاظ احترام او به دین معین» تلقی شده است، از جنبه‌ای دیگر که بیش‌تر ناظر بر جنبه کاربردی است، تربیت دینی شامل «رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقلید به مناسک و آداب دینی را برای تحقق شخصیتی متدین» می‌گردد (Bagheri, 2002). از همین رو تربیت دینی به عنوان تربیت ویژه‌ای که از دین نشأت گرفته و پیوند ناگسستنی با تعلیم دین دارد قلمرویی به وسعت تمام شوون زندگی انسان دارد، بنابراین تربیت دینی مطرح در این پژوهش عبارت از کسب شناخت و معرفت درباره اعتقادات، مسائل و آموزه‌های دینی توأم با تفکر و بصیرت است که منجر به عمل و رفتار دینی آگاهانه می‌گردد. که حاصل این تفکر و رفتار توأم با تفکر برقراری ارتباط و کنترل رفتار انسانی در چهار بعد است:

الف: رفتارهایی که در روابط انسان با خودش مطرح می‌شود.

ب: رفتارهای مربوط به ارتباط انسان با خدا

ج: رفتارهای ناشی از انسان با هم‌نوعانش در سطح جامعه

د: رفتارهای ناشی از روابط با محیط زیست، طبیعت و منابع طبیعی (Nowrozi, 2010).

از سوی دیگر تحقیقات انجام شده در مدارس، نشان می‌دهد که مسئله آموزش دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده، گاه با تاثیرات معکوسی نیز همراه گردیده است (Bahonar, 2000, p. 14). بررسی‌های انجام شده در مقالات، همایش‌ها و کنفرانس‌ها احساس خطر و

افزایش ضریب آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل نو را نشان می‌دهد (Saddey, 1997).

بر همین اساس شواهد پژوهشی حاکی از آن است که فراگیری درس بینش اسلامی نه تنها موجب پیدایش نگرش مثبت نسبت به این درس نشده، بلکه در دانش‌آموزان نگرش منفی نسبت به درس ایجاد کرده است. ضمن آنکه این امر موجب ایجاد و تقویت تلقی عدم ارتباط آموخته‌های

دینی با زندگی واقعی از منظر آنان شده است. بدین ترتیب برنامه‌های تربیت دینی موجود در تحقق اهداف تعیین شده در زمینه نسل جدید از کارایی لازم و کافی برخوردار نیست (Samadi, 2002). از نظر مسئولان این ناکارآمدی تا حد زیادی در بحران آفرینی‌ها و یا کاستی‌های مشاهده شده در رفتارهای دینی و اخلاقی نسل نوجوان و جوان ما سهم موثری دارد. پرسش این است که با توجه به افزایش ساعات تدریس دینی و قرآن و فعالیت‌های پرورشی، چرا نظام آموزشی ما در تربیت دینی - اخلاقی، چندان موفق نبوده است؟

پر واضح است که برنامه‌ریزان و مولفان کتب درسی، افرادی دلسوز و متعهد بوده‌اند و محتوای کتب درس دینی، نوعاً مطالبی است که جلوه‌هایی از معارف، اخلاق و احکام اسلامی را می‌نمایاند، تردیدی وجود ندارد، ولی احتمالاً آنچه باعث ناکارآمدی آموزش دینی شده است، یکی عدم توجه کافی به نیازهای دانش آموزان و شرایط جامعه در انتخاب محتوای کتب درسی و دیگری، عدم کارایی معلمان در اجرای موفق برنامه‌های طراحی شده است (Bynaghi, 2000, p.16).

بنابراین، توجه به نقش دانش آموز در برنامه درسی دینی به این دلیل مهم است که موضوع تعلیم و تربیت دینی، دانش آموز است. لذا تربیت دینی که از وظایف آموزش و پرورش کشور ما می‌باشد می‌بایست شخصیت دانش آموز را در سه حیطه شناختی - عاطفی و عملی با توجه به رویکرد عقلانی و عادت‌ی رشد دهد که در رویکرد عقلانی بر عقل و معرفت عقلانی تاکید بسیار می‌شود و دین و دینداری با محک عقل سنجیده می‌شود تا جایی که دین در ظرف عقل بگنجد و از صافی آن بگذرد (Feinberg, 2004, p.19).

در رویکرد مبتنی بر عادت آموزش نقش مهم در شکل دهی رفتارهای دینی دارد. انجام دادن کارها به شکل مکانیکی به شیوه‌ای که اندیشه در آنها چندان دخیل نباشد، عادت نام دارد. (Naghizadeh, 2001, p.133)، از سوی دیگر در قلمرو آموزش و پرورش، نیاز سنجی به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی و ضروری فرایند برنامه‌ریزی در نظر گرفته می‌شود و در هر کجا که مسئله تدوین طرح‌ها و اتخاذ مجموعه‌ای از تدابیر آموزشی مطرح باشد، از نیاز سنجی به طور مکرر یاد می‌گردد (Fathi Vajargah, 1998, p.18).

بنابراین، نیازسنجی برنامه درسی در یک برداشت نهایی عبارت است از تدارک مجموعه‌ای از تدابیر و تصمیمات ضروری برای انطباق و سازگاری برنامه درسی با نیازهای مهم و دارای اولویت (fathi Vajargah, 2000). از آن جا که نیازسنجی برنامه درسی یکی از امور پایه‌ای در امر تدوین برنامه درسی است و تصمیم‌گیری درباره‌ی آن با سرنوشت دانش آموزان ارتباط مستقیم دارد، ضروری است که دانش آموزان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نیازسنجی برنامه درسی شرکت داده

شوند. توجه به نیازهای دانش آموزان و شرکت دادن آنها در تصمیمات گوناگون برنامه درسی، طرفداران بسیاری در حوزه برنامه نویسی درسی دارد (Helmesk, 1997).
با توجه به مطالب فوق یکی از مسائل اساسی در برنامه ریزی درسی نیازسنجی است و از آن-جا که دانش آموزان در سنینی هستند که نیاز و علاقه آنها مورد توجه است و در حوزه برنامه درسی به نیازسنجی توجه شده است و مدل‌های گوناگونی برای سنجش و ارزیابی نیازها وجود دارد و از طرفی دیگر با توجه به مسئله موجود، پژوهشگر معتقد است یکی از راه‌حل‌ها برای برطرف کردن کاستی‌های تربیت دینی توجه به نیاز دانش آموزان در این درس است، لذا در این پژوهش به تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

سلحشور (Salahshor, 2012)، در مقاله‌ای با عنوان "حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی" به واکاوی حد و مرز بین این سه مفهوم پرداخته است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که با این که بین این سه مفهوم رابطه تنگاتنگ وجود دارد، اما می‌توان گفت که غایت تربیت اخلاقی، تربیت معنوی است و غایت تربیت معنوی، تربیت دینی است. از سوی دیگر، دو نوع معنویت وجود دارد، ۱- معنویت غیر دینی که تاحدی می‌تواند به قدرت‌های روح از راه کنترل، تهذیب نفس و کم کردن نقش محسوسات که پایین‌ترین مرحله‌ی تربیت (حداکثر به عالم ملکوت)، دسترسی یابد و ۲- معنویت دینی و بویژه معنویت در دیدگاه اسلام که اگر فرد طبق راهکارهای آن عمل کند، می‌تواند به کمال و فعلیت قدرت‌های روح و عوالم دیگر مانند عالم جبروت و عالم اسماء الهی برسد.

کشاورز (Kashvarz, 2009)، در مقاله‌ای با عنوان "شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی" به دنبال آن است که با توجه به تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت موجود تربیت دینی در مدارس و با نظر به شاخص‌های برگرفته از آموزه‌های دینی (اعم از قرآن و سنت)، به آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش آموزان در نظام آموزش رسمی کشور بپردازد. در این مقاله ابتدا با استفاده از روش فراتحلیل و اسنادی، مجموعه‌ای از تحقیقات انجام گرفته در عرصه تربیت دینی در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از روش تحلیلی-استنتاجی تلاش گردیده است با بررسی متون دینی، شاخص‌هایی جهت نقد وضعیت موجود استخراج گردد و در پایان جهت اصلاح و بهبود کمی و کیفی روند تربیت دینی دانش آموزان در نظام آموزش رسمی کشور در مقاطع گوناگون تحصیلی، با عنایت به مشکلات و آسیب‌های مطرح شده، راهکارهایی جهت نزدیکتر

شدن به وضعیت مطلوب در پنج محور رویکرد و برنامه ریزی، اهداف، محتوا، روش و معلم مورد نظر قرار گرفته است.

رهنما و طباطبایی (Ranema and Tabatabai, 2006)، پژوهشی با عنوان "آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران" انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که محتوای کتاب‌های درسی مربوط به تربیت دینی از عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی شهر تهران است و وجود و با نبود برخی ویژگی‌ها در معلمان دینی و پرورشی می‌تواند از عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی این شهر باشد. محیط مدرسه و عوامل مربوط به آموزشگاه می‌تواند از عوامل موثر آسیب‌زا در تربیت دینی دانش آموزان راهنمایی شهر تهران باشد.

اسدی (Asadi, 2004)، در پایان‌نامه ارشد خود تحت عنوان "تبیین و نقد پیامدهای پلورالیسم دینی برای تعلیم و تربیت" به راهنمایی سجادی دانشگاه تربیت مدرس به دنبال آن است تا روش‌ها و محتوای تربیت دینی مطلوب تکثرگرایی دینی را نشان داده و پیامدهای آن را برای روش‌ها و محتوای فعلی تربیت دینی در کشور تبیین و نقد نماید، در پایان این پژوهش به این نتیجه رسیده است که روش‌ها و محتوای تعلیم و تربیت دینی تکثرگرا دارای اشکالات نظری و عملی جدی است و نمی‌توان آن را در عمل بکار بست.

کریمی (Karimi, 2002)، در پژوهشی با عنوان "نظر سنجی از دانش آموزان در زمینه درس دینی"، به بررسی نگرش و علاقه کودکان به کتب دینی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عدم توجه به هماهنگی و همخوانی بین سطوح گوناگون برنامه درسی دینی از یک سو و عدم توجه به نیازها و علایق دانش آموزان از سوی دیگر، باعث گردیده تا درس دینی از خسته‌کننده‌ترین درس‌ها در میان دانش آموزان باشد.

صمدی (Samadi, 2002)، هم در پژوهش خود توجه به نیازهای دانش آموزان، برنامه درسی مبتنی بر علایق دانش آموزان (رویکرد دانش آموز-محور) و مسایل جامعه را از متغیرهای مهم در بوجود آوردن ایمان مذهبی دانش آموزان می‌داند.

کومار^۱ (Kumar, 2010)، در پژوهشی با عنوان "نیازسنجی منابع و مواد آموزشی مورد نیاز دانش آموزان مناطق فقیر"، به بررسی منابع و مواد آموزشی مورد نیاز دانش آموزانی که در مناطق فقر زندگی می‌کنند پرداخته، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کتاب‌ها و مواد خواندنی مشتمل بر موضوعات جدید و قدیم در خانه و مدرسه مورد نیاز هستند و معلمان بطور مداوم در حال یافتن روش‌هایی برای فراهم سازی مواد مورد نیاز دانش آموزان بوده، مطابق با یافته‌ها بعضی از

¹ -Kumar

کودکان توجهی به مواد آموزشی که به صورت دریافت رایگان بوده نداشته و به هر حال آنها با این ایده که تنها کتاب جهت استفاده در نظر گرفته شده، موافق نبودند. براساس یافته‌های پژوهش کتاب‌های با کیفیت، نظیر کتاب‌های جدید نسبت به مواد خواندنی دیگر بیش‌تر موردنیاز بودند در قسمت دوم پژوهش، مصاحبه با مدیران برنامه‌هایی صورت گرفت که مواد آموزشی را برای کودکان نیازمند تدارک دیده بودند. بر اساس یافته‌ها، توصیه می‌شود مدیران برنامه‌های موجود، تحقیقات خود را بر روی مساله چگونگی استفاده کودکان از خدمات به منظور تطبیق نیازهای خود با امکانات موجود، متمرکز نمایند. یافته‌های پژوهش نیاز به ارزشیابی برنامه را ضروری نشان می‌دهد ولی به علت کمبود یافته‌ها، اکثر سازمان‌ها معیارهایی به منظور سنجش کودکان در ارتباط با خدماتی که برای آنها فراهم نموده‌اند، نداشتند.

الیور، کوین و همکاران^۱ (Oliver and Kevin, 2010)، در پژوهشی با عنوان "نیازسنجی دانش آموزان دوره متوسطه" به بررسی نیازهای دانش آموزان متوسطه پرداخته و نتایج نشان داد که نیازهای اجتماعی بالاترین اهمیت را از دیدگاه دانش آموزان داشتند و فقدان کمک از جانب بزرگسالان یکی از مهم‌ترین خلاءهای مربوط به نیازهای اجتماعی بود. نتایج پژوهش نشان داد که در دوره متوسطه نیازهای نوجوانان به طور مناسب و کافی سنجیده نمی‌شود و در این خصوص باید اقدامات اساسی جهت اجرای نیازسنجی و اولویت بندی نیازها صورت پذیرد.

دیویس آندرو^۲ (Davis Andrew, 2010)، در مقاله‌ای تحت عنوان "دفاع تکرگرای دینی از تربیت دینی"^۳ به عقیده نویسنده، انحصارگرایی مذهبی^۴ و یا این عقیده که تنها یک دین می‌تواند حقیقی باشد، تنفر را تشدید و با جهان مدرن مغایرت دارد.

مخالفت‌های قطعی در برابر تکرگرای دینی، با بیان معایب انحصارگرایی تضعیف می‌شوند، نویسنده از تکرگرای دینی غیرافراطی^۵ دفاع می‌کند که مطابق با آن حقیقت یک مذهب به خودی خود مستلزم تحریف ادیان دیگر نیست و زمانی که با عقاید مذهبی سر و کار داریم برای افرادی که بر بیان عقاید نادرست خود اصرار می‌ورزند می‌توانیم احترام قائل شویم.

¹ - Oliver and Kevin

² - Davis Andrew

³ - Defending Religious Pluralism for Religious Education

⁴ - Religious exclusivism

⁵ - Moderate religious pluralism

به نظر نویسنده «ویژگی تحلیل ناپذیر استعاری زبان مذهبی»^۱، بدین معناست که تفاوت‌های بین ادیان جهان می‌تواند بیش تر ظاهری نه واقعی باشد، رویکردهای تربیت دینی باید شامل تکثرگرایی دینی متعادل هم باشد.

رول لین^۲ (Revell Lynn, 2010)، در مقاله‌ای با عنوان "تربیت دینی، تعارض و تفاوت، بررسی تصورات کودکان از اسلام" این مقاله روشی را مورد بحث قرار می‌دهد که دانش آموزان انگلیسی، از طریق رسانه‌ها با بحث‌های اسلامی آشنا می‌شوند. اگر چه دانش آموزان در مورد اسلام به عنوان دینی جهانی و در مورد بسیاری از مباحث رایج و تصورات مربوط به اسلام مطلع هستند. اما اقلیت دانش آموزان، صراحتاً دیدگاه‌هایی سوگیرانه (مغرضانه) و نژاد پرستانه^۳ در مورد اسلام دارند. به نظر می‌رسد بسیاری از دانش آموزان، اسلام و مسلمانان را به عنوان بیگانه و خارجی درک می‌کنند، هدف این مقاله ارائه تفسیری یکپارچه و ایده آل از اسلام است و معرفی رویکرد آموزش اسلام که در این رویکرد، پیش تصورات منفی دانش آموزان درباره مذهب مطرح نیست.

رویتر، دورت، مری و مایکل^۴ (Ruyter, Doret, Merry, Michael 2010)، در مقاله‌ای با عنوان "چرا تربیت در مدارس عمومی شامل عقاید مذهبی است؟" هدف این مقاله ارائه بحث جدیدی درباره مذهب در مدارس عمومی با تاکید بر عقاید مذهبی است. این مقاله با توضیحی از مفهوم عقاید مذهبی^۵ و تکثر گرایی منطقی^۶، به منظور کشف نقاط قوت و ضعف عقاید مذهبی و نقش آنها آنها در جامعه دموکراتیک آزادخواه بحث را شروع می‌کند، نویسنده مثال‌هایی از عقاید مذهبی مسیحیت و اسلام ارائه می‌دهد، زیرا به عقیده او این ادیان بیش‌ترین پیروان را در دموکراسی‌های آزادخواه غربی دارند که محور اصلی این مقاله هستند.

مهمترین بخش مقاله تحت عنوان «تکثرگرایی منطقی و شمول عقاید مذهبی در مدارس متوسطه»، به سه بحث می‌پردازد که شامل، عقاید مذهبی برای افراد مذهبی از اهمیت خاصی برخوردار است، عقاید مذهبی زمینه ساز رشد دانش آموزان به صورت شهروندانی آزاد اندیش است و در نهایت شکوفایی دانش آموزان مانند بزرگسالان در مواجهه با عقاید دینی افزایش می‌یابد. به عقیده نویسنده عقاید مذهبی می‌توانند با سهولت بیش‌تری نسبت به قواعد و دستورات مذهبی، آموزش عمومی را شامل شوند.

¹ -irreducibly metaphorical character of much religious language

² - Revell Lynn

³ - racist and prejudiced

⁴ - Ruyter, Doret, Merry, Michael

⁵ - religious ideals

⁶ - reasonable pluralism

از دیگر تحقیقاتی که در صدد تبیین نقش برنامه درسی دینی در افزایش نگرش مثبت به دین مسیحیت می‌باشد. تحقیقات مربوط به گیبسون و فرانسیس (۱۹۸۹) است. آنها در تحقیقات خود نتیجه می‌گیرند که آموزش دینی از راه توجه به رفتارهای مذهبی و دل‌مشغولی‌های ذهنی دانش آموزان می‌تواند نقش مهمی در ایجاد نگرش مثبت آنان به اعتقادات مذهبی ایفاء نماید (Samadi, 2004).

با نظر به این که توجه به علاقه فراگیران در تدوین برنامه‌های درسی مهم است، هیچکدام از این تحقیقات به بحث تبیین نیازهای آموزشی که اولین گام در تدوین برنامه درسی است نپرداخته‌اند. لذا این پژوهش به تحلیل و مقایسه نیزه‌های تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی قارس در حوزه تربیت دینی پرداخته است.

پرسش‌های پژوهش

۱. دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در بعد شناختی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند؟
۲. دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در بعد عاطفی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند.
۳. دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در بعد عملکردی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند؟
۴. آیا بین نیازهای آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه در بعد شناختی، عاطفی، عملکردی در دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد؟
۵. دانش آموزان دوره متوسطه به کدام‌یک از مهارت‌های (شناختی، عاطفی، عملکردی) نیاز بیش‌تری دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

نظر به اینکه این پژوهش به توسعه دانش کاربردی و با توجه به اینکه هدف از آن، شناخت هر چه بیش‌تر وضعیت موجود و یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری در امر آموزش دانش آموزان می‌باشد در زمره تحقیقات توصیفی به شمار می‌رود و از آنجایی که به توصیف، ضبط و تجزیه و تحلیل شرایط موجود و توصیف منظم و مدون موقعیتی ویژه در مقطع زمانی خاص به صورت واقعی و عینی می‌پردازد پیمایشی است.

جامعه و نمونه آماری

نظر به ماهیت پژوهش که نیازسنجی آموزشی است و نظر دانش آموزان باید پرسیده شود، در این پژوهش جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دوره متوسطه اعم از دختر و پسر (دوره

متوسطه) شهر جهرم که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل هستند که تعداد کل آنها ۳۵۰۰ نفر بوده است.

با توجه به گسترده بودن حجم جامعه، روش نمونه‌گیری این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که در آن تعداد دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه مشخص شد و (۱۵۰ نفر دختر، ۱۵۰ نفر پسر) انتخاب و در مجموع ۳۰۰ نفر پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند.

- روش محاسبه حجم نمونه:

حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران (Cochran) ۳۰۰ نفر برآورد گردید.

ابزار اندازه‌گیری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای در جهت تقویت پیشینه پژوهش مباحث نظری مربوط به این پژوهش تحلیل گردید و در مرحله میدانی به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته ویژه دانش آموزان استفاده شده است که مشتمل بر ۴۰ گویه به شکل مقیاس لیکرت، ۵ گزینه‌ای می‌باشد. منبع اصلی تهیه سوالات پرسشنامه، بررسی اهداف مصوب وزارت آموزش و پرورش در حوزه آموزش دینی در مقطع متوسطه، بررسی محتوای درس تعلیمات دینی دوره متوسطه، بررسی مولفه‌های رویکرد عقلانی در حوزه تربیت دینی می‌باشد.

تعیین اعتبار^۱ و پایایی^۲

در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار محتوایی استفاده شد و به منظور حصول اطمینان از ارتباط آزمون با خصیصه مورد اندازه‌گیری تلاش شد با راهنمایی اساتید صاحب‌نظر در عرصه تربیت دینی و هم‌چنین معلمان و دانش آموزان، پرسشنامه روشن و قابل فهم بر اساس اهداف مصوب آموزش و پرورش در حوزه تربیت دینی، بررسی راهنمای برنامه درسی دینی دوره متوسطه، بررسی مولفه‌های رویکرد عقلانی در حوزه تربیت دینی، تهیه و پس از مشورت نهایی و اصلاح تعدادی از سوالات تدوین گردید.

تعیین پایایی: محقق برای محاسبه پایایی آزمون از روش برآورد ضریب آلفای کرانباخ که یکی از روش‌های محاسبه پایایی، محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری است استفاده کرد، ضریب آلفای کرانباخ جهت این پرسشنامه ۰/۸۹ استخراج شد. با توجه به محاسبه انجام شده پرسشنامه جهت گردآوری داده‌های موردنیاز پژوهش مناسب تشخیص داده شده است. هم‌چنین

^۱- Validity

^۲- Reliability

ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای سه حیطة تربیت دینی که با استفاده از برنامه نرم افزاری *SPSS* محاسبه شده، به شرح ذیل است ($n=300$)

جدول شماره (۱) ضریب پایایی آلفای کرونباخ ابعاد تربیت دینی

شناختی	عاطفی	رفتاری- عملکردی	
۰/۹۲	۰/۶۸	۰/۸۵	ضریب الفا
۲۲	۷	۱۱	تعداد گویه

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از ضریب همبستگی کندال، آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

پرسش شماره یک: دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در حیطة شناختی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند؟
با توجه به اینکه ۲۲ پرسش از ۴۰ سوال پرسشنامه مربوط به بعد شناختی می‌باشد، این پرسش‌ها با استفاده از آزمون میانگین و ضریب همبستگی کندال تجزیه و تحلیل شده است که دانش آموزان از ۲۲ موضوع به ۳ مورد آن به ترتیب جدول اعلام نیاز کرده‌اند.
جدول شماره (۲) رتبه بندی ضریب همبستگی کندال بر حسب اولویت نیاز دانش آموزان به دانش

شناختی در حوزه تربیت دینی

شماره پرسش	موضوعات مربوط به بعد شناختی	رتبه میانگین	اولویت	نیازها
۱	شناخت مفهوم پلورالیسم دینی	۴	اولویت بالا (۱۵)	زیاد
۲	آشنایی با ادیان دیگر	۳/۹		زیاد
۳	روش‌های پژوهش دینی	۳/۷		زیاد
۴	ویژگی‌های جهادگر خوب	۳/۶		متوسط
۵	اصول مناظره و مباحثه	۳/۶		متوسط
۶	توانایی مقایسه تقوای حضور با تقوای پرهیز	۳/۶		متوسط
۷	تجزیه و تحلیل مسائل دینی	۳/۴		متوسط
۸	نقد و بررسی مسائل دینی	۳/۴		متوسط
۹	آشنایی با مفهوم مهدویت	۳/۴		متوسط
۱۰	آشنایی با زندگی انبیاء الهی	۳/۲		متوسط
۱۱	شناخت مراتب قرب الهی	۳/۲		متوسط
۱۲	کاربرد مسائل دینی	۳		متوسط
۱۳	پرسشگری درباره مسائل دینی	۲/۹		متوسط
۱۴	آشنایی با تقوای حضور	۲/۹		متوسط

متوسط	۷	۲/۸	شناخت احکام اسلامی لازم برای زندگی	۱۵
متوسط	۶	۲/۶	درک مفهوم تقوای پرهیز	۱۶
کم	۵	۲/۲	الگو پذیری از انبیاء الهی	۱۷
کم	۴	۲/۱	امید به زندگی	۱۸
کم	۴	۲/۱	وجدان کاری	۱۹
کم	۳	۲	درک و فهم گناه	۲۰
کم	۲	۱/۹	دانستن احکام دین اسلام بالاتر از دیگر ادیان	۲۱
کم	اولویت پایین(۱)	۱/۶	توکل به خدا	۲۲

چنانچه مشاهده می شود بر اساس رتبه بندی ضریب هماهنگی کندال، شناخت مفهوم پلورالیسم دینی یا میانگین (۴) از اولین اولویت برخوردار است و مفهوم توکل به خدا با میانگین (۱/۶) از پایین ترین اولویت برخوردار است در زمینه تعیین نیاز بین گزینه های (زیاد، متوسط و کم) چنانچه مشاهده می شود دانش آموزان مدارس متوسطه اعم از (دختر و پسر) به اکثر موارد فوق به میزان کم نیاز دارند، اما اولویت به ترتیبی است که ذکر شده است.

پرسش شماره دو:

دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در بعد عاطفی به چه نوع آموزش هایی نیاز دارند؟

با توجه به اینکه ۷ پرسش از ۴۰ پرسش پرسشنامه مربوط به بعد عاطفی می باشد، این سوالات با استفاده از آزمون میانگین و ضریب هماهنگی کندال تجزیه و تحلیل شده است که دانش آموزان از ۷ موضوع به ۲ مورد آن به ترتیب جدول اعلام نیاز کرده اند.

جدول شماره (۳) رتبه بندی ضریب هماهنگی کندال بر حسب اولویت نیاز دانش آموزان به دانش

عاطفی در حوزه تربیت دینی

ردیف	شماره سوال	موضوعات مربوط به بعد عاطفی	رتبه میانگین	اولویت	نیازها
۱	۲۹	احساس تعهد و پایبندی نسبت به مسئولیت پذیری در زمان غیبت امام زمان	۲/۶	اولویت بالا (۶)	متوسط
۲	۲۸	علاقه مندی جهت تقرب به خداوند	۲/۴	(۵)	متوسط
۳	۲۴	علاقه مندی به انجام اعمال نیک	۲/۱	(۴)	کم
۴	۲۷	امیدواری نسبت به آینده	۲/۱	(۴)	کم
۵	۲۳	احساس بدی نسبت به گناه	۲	(۳)	کم
۶	۲۶	علاقه مندی به رعایت حقوق دیگران	۱/۶	(۲)	کم
۷	۲۵	اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان	۱/۷	اولویت پایین(۱)	کم

چنانچه مشاهده می شود بر اساس رتبه بندی ضریب هماهنگی کندال، احساس تعهد و پایبندی نسبت به مسئولیت پذیری در زمان غیبت امام زمان با میانگین (۲/۶) از اولین اولویت

برخوردار است و مفهوم اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان با میانگین (۱/۷) از پایین ترین اولویت برخوردار است در زمینه تعیین نیاز بین گزینه‌های (زیاد، متوسط و کم) چنانچه مشاهده می‌شود دانش آموزان مدارس متوسطه اعم از (دختر و پسر) به اکثر موارد فوق به میزان کم نیاز دارند، اما اولویت به ترتیبی است که ذکر شده است.

پرسش سه پژوهش:

دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در حیطة رفتاری- عملکردی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند؟

با توجه به اینکه ۱۱ پرسش از ۴۰ پرسش پرسشنامه مربوط به حیطة رفتاری- عملکردی می‌باشد این سوالات با استفاده از آزمون میانگین و ضریب هماهنگی کندال تجزیه و تحلیل شده است که دانش آموزان از ۱۱ موضوع به ۱ مورد آن اعلام نیاز کرده‌اند که شامل پرسش ۳۷ می‌باشند.

جدول شماره (۴) رتبه بندی ضریب هماهنگی کندال بر حسب اولویت نیاز دانش آموزان به دانش

عملکردی در حوزه تربیت دینی

ردیف	شماره سوال	موضوعات مربوط به بعد رفتاری- عملکردی	رتبه میانگین	اولویت	نیازها
۱	۳۷	مشارکت در نماز جمعه	۴	(۸)	زیاد
۲	۳۳	از حفظ خواندن آیات و روایات دال بر امامت	۳/۷	(۷)	متوسط
۳	۳۴	مشارکت در راهپیمایی‌های مذهبی	۳/۷	(۷)	متوسط
۴	۳۵	فعالیت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر	۳/۵	(۶)	متوسط
۵	۳۲	توانایی اثبات امامت	۳/۲	(۵)	متوسط
۶	۳۰	انجام فریضه نماز در اول وقت	۲/۸	(۴)	متوسط
۷	۳۱	خویشتن داری	۲/۸	(۴)	متوسط
۸	۳۹	انجام اعمال توبه حقیقی	۲/۸	(۴)	متوسط
۹	۳۶	رعایت حریم در روابط زن و مرد	۲/۵	(۳)	متوسط
۱۰	۴۰	رعایت حقوق دیگران	۲	(۲)	کم
۱۱	۳۸	روزه گرفتن	۱/۸	(۱)	کم

چنانچه مشاهده می‌شود بر اساس رتبه بندی ضریب هماهنگی کندال، مشارکت در نماز جمعه با میانگین (۴) از اولین اولویت برخوردار است و چگونگی روزه گرفتن با میانگین (۱/۸) از پایین ترین اولویت برخوردار است. در زمینه تعیین نیاز بین گزینه‌های (زیاد، متوسط و کم) چنانچه مشاهده می‌شود دانش آموزان مدارس متوسطه اعم از (دختر و پسر) به اکثر موارد فوق به میزان متوسط نیاز دارند، اما اولویت به ترتیبی است که ذکر شده است.

پرسش چهار پژوهش:

آیا بین نیازهای آموزشی دانش آموزان دختر و پسر در بعد شناختی، عاطفی، عملکردی با جنسیت تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جدول شماره (۵) تی تست برای تعیین تفاوت بین نیازهای آموزشی براساس جنسیت

ابعاد	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجات آزادی	t	سطح معناداری
شناختی	پسر	۱۵۰	۶۴/۲	۱۲/۶۹	۲۹۸	-۲/۰۶	۰/۰۴
	دختر	۱۵۰	۶۷/۱	۱۱/۶۰			
عاطفی	پسر	۱۵۰	۱۴/۸۲	۴/۸۸	۲۹۸	-۲/۰	۰/۸۳
	دختر	۱۵۰	۱۴/۹۴	۴/۶۲			
عملکردی	پسر	۱۵۰	۳۵/۳۱	۸/۸۳	۲۹۸	-۱/۶۵	۰/۰۹
	دختر	۱۵۰	۳۶/۹۱	۷/۹۱			

بعد شناختی

چنانکه در جدول مشاهده می شود ۱۵۰ نفر آزمودنی ها دختر ۱۵۰ نفر آنها پسر می باشند که میانگین دختران و پسران به ترتیب (۶۷/۱، ۶۴/۲) و انحراف استاندارد دختران و پسران به ترتیب (۱۱/۶۰، ۱۲/۶۹) می باشد که با توجه به t به دست آمده $-۲/۰۶$ و درجه آزادی ۲۹۸ و سطح معناداری ۰/۰۴ می توان این گونه بیان نمود که دانش آموزان دختر به طور معنی داری ($p < .۰۴$) نمرات بالاتری را در بعد شناختی بدست آوردند.

بعد عاطفی

چنانکه در جدول مشاهده می شود ۱۵۰ نفر آزمودنی ها دختر ۱۵۰ نفر آنها پسر می باشند که میانگین دختران و پسران به ترتیب (۱۴/۸۲، ۱۴/۹۴) و انحراف استاندارد دختران و پسران به ترتیب (۴/۶۲، ۴/۸۸) می باشد که با توجه به t به دست آمده $-۰/۲۰$ و درجه آزادی ۲۹۸ و سطح معناداری ۰/۸۳ می توان این گونه بیان نمود که بین نیاز آموزشی در بعد عاطفی و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

حیطه عملکردی

چنانکه در جدول مشاهده می شود ۱۵۰ نفر آزمودنی ها دختر ۱۵۰ نفر آنها پسر می باشند که میانگین دختران و پسران به ترتیب (۳۶/۹۱، ۳۵/۳۱) و انحراف استاندارد دختران و پسران به ترتیب (۷/۹۱، ۸/۸۳) می باشد که با توجه به t به دست آمده $-۱/۶۵$ و درجه آزادی ۲۹۸ و سطح معناداری ۰/۰۹ می توان این گونه بیان نمود که بین نیاز آموزشی در حیطه عملکردی و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

پرسش پنج پژوهش:

دانش آموزان دوره متوسطه به کدام یک از مهارت‌های (شناختی، عاطفی، عملکردی) نیاز بیش‌تری دارند؟

جدول شماره (۶) بررسی نظرات دانش آموزان در رتبه بندی نیازها به مهارت‌ها بر اساس ضریب

هماهنگی کندال و آزمون خی دو

مهارت	رتبه میانگین	اولویت	X^2	d.f	P
شناختی	۶۵/۰۴	بالاترین اولویت (۱)	۵۶/۷۲	۴	۰/۰۰
عاطفی	۱۴/۹۶	(۳)	۷۳/۷۲	۴	۰/۰۰
عملکردی	۳۲/۷۲	(۲)	۶۲/۹۰	۴	۰/۰۰

از آنجا که X^2 مشاهده شده در جدول فوق حداقل ۵۶/۷۲ و حداکثر ۷۳/۷۲ می‌باشد، لذا فرض صفر با سطح معناداری ($p < 0001$) رد و فرض خلاف آن تایید می‌شود. یعنی دانش آموزان در انتخاب مهارت‌ها اولویت قائل هستند و نیاز بیش‌تری دارند و این نیاز در شهر جهرم به ترتیب شامل نیازهای شناختی، رفتاری- عملکردی و عاطفی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری:

پرسش یک: دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در بعد شناختی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند؟

برای تعیین اولویت نیازها، میانگین‌ها مرتب شد و ۱۵ نیاز با توجه به فراوانی آنها استخراج شد. جدول شماره (۱) که به ترتیب اولویت عبارتند از نیاز به شناخت مفهوم پلورالیسم دینی، آشنایی با ادیان دیگر، آشنایی با روش‌های پژوهش دینی، توانایی مقایسه تقوای حضور با تقوای پرهیز، آشنایی با ویژگی‌های جهادگر خوب، آشنایی با اصول مناظره و مباحثه، تجزیه و تحلیل مسائل دینی، آشنایی با مفهوم مهدویت، آشنایی کامل با زندگی انبیاء الهی، شناخت مراتب قرب الهی، کاربرد مسائل دینی در زندگی، پرسشگری درباره مسائل دینی، آشنایی با مفهوم تقوای حضور، شناخت احکام اسلامی لازم برای زندگی، درک مفهوم تقوای پرهیز، الگوپذیری از انبیاء الهی، امید به زندگی، وجدان کاری، درک و فهم گناه، دانستن احکام دین اسلام بالاتر از دیگر ادیان و آشنایی با مفهوم توکل به خدا بوده است، که بالاترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در زمینه شناخت مفهوم پلورالیسم دینی و آشنایی با ادیان دیگر و پایین‌ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در زمینه شناخت مفهوم توکل به خدا بوده است. این یافته‌ها به‌گونه کلی با پژوهش کریمی (Karimi, 2002)، و در مبحث مفهوم پلورالیسم

دینی و آشنایی با ادیان دیگر همسو با یافته رویتر، دورت، مری و مایکل (Ruyter, Doret, Merry, Michael, 2010) می‌باشد.

با توجه به نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد بستر بدفهمی‌های دانش آموزان دوره متوسطه نسبت به مفاهیم و معارف دینی عدم درک صحیحی از معرفت دینی و سیطره سطوح اولیه شناختی نظیر حفظ کردن و یادآوری و عدم توجه به اهداف سطوح بالای شناختی در دوره متوسطه، متناسب نبودن روش آموزش دینی با سطح شناختی دانش آموزان، تصورات غلط از مفاهیم دینی موجود و عدم توجه به زبان روز و تحولات دنیای جدید، فقدان یا کمبود روحیه پرسشگری در دانش آموزان است. زیرا در اولویت بندی نیازهای دانش آموزان در بعد شناختی، اکثریت قریب به اتفاق پاسخ دهندگان نسبت به کسب اهداف و مهارت‌های سطوح بالای شناختی مطرح در پرسشنامه، نیازمند آموزش می‌باشند و این امر بیانگر غلبه سطوح اولیه شناختی در حوزه تربیت دینی در دوره متوسطه است.

بنابراین، باید در ارائه آموزه‌های دینی به دانش آموزان این دوره فرصت‌هایی را تدارک دید تا آنها علل و فلسفه بعضی از امور مذهبی و اجتماعی را سوال کنند تا بدین ترتیب نقش موثری در تغییرات اجتماعی داشته باشند و این تغییرات را هدایت کنند و این امر نیازمند استفاده از رویکرد عقلانی در آموزش دینی است، زیرا در تربیت دینی عقلگرا پرسش از چیستی-ها و چرایی‌های رفتار و اعتقادات دینی در صدر آموزش دینی است و فراگیر دعوت به رفتار کورکورانه و تقلیدی نمی‌شود، در مقابل تربیت؛ به دنبال اعطای بینش و شناخت درباره مسائل دینی است و علمی دارای ارزش برای آموختن است که از راه تفکر و تأمل بدست آمده باشد نه از راه تخیل و وهم، تربیت دینی مبتنی بر رویکرد عقلانی به دنبال تربیت دانش آموزانی دارای قدرت تفکر و تحقیق است، در این رویکرد رفتار دینی رفتاری توأم با آگاهی و اختیار است در غیر این صورت قابل ارزشگذاری نیست، بنابراین تربیت دینی باید در پی بوجود آوردن ایمان توأم با شناخت و آگاهی محوری باشد در غیر این صورت با روح تربیت ناسازگار است. لذا یک‌سویه نگرستن به طراحی برنامه‌های درسی بدون توجه به نیازها، توانایی‌ها و استعدادها دانش آموزان، عدم توجه به زبان روز و تحولات دنیای جدید و سوالات و ابهامات موجود در ذهن دانش آموزان، زمینه بدفهمی‌های آنان را فراهم خواهد کرد.

از سوی دیگر در کشور ما به خاطر شرایط خاص آن مثل؛ مسلمان بودن اکثریت جامعه، حکومت دینی، اعلام اسلام به عنوان دین رسمی، وجود پاره‌ای معتقدات اسلامی مثل: داعیه جهانی داشتن اسلام، انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) برای تشکیل حکومت جهانی بر اساس

دین اسلام، مرجعیت دینی و بسیاری از احکام دینی و اجتماعی که در رساله علمیه وجود دارد، تفکر پلورالیسم دینی می‌تواند چالش‌ها و پیامدهای بسیار جدی را ایجاد نماید. چنین به نظر می‌رسد اگر پلورالیسم دینی در کشور ما موجودیت پیدا کند کیان سیاسی و اعتقادی آنرا به هم خواهد ریخت و پیامدهای تفکر پلورالیسم دینی برای نظام فعلی سیاسی و دینی و اعتقادات مردم بسیار جدی و مناقشه برانگیز خواهد بود.

در نهایت با توجه به مطالب فوق و اولویت نیازهای دانش آموزان مقطع متوسطه، طرح مباحثی از قبیل- مفهوم پلورالیسم دینی، مطالعات تطبیقی ادیان، معرفی روش‌های پژوهش دینی، چگونگی تجزیه و تحلیل مسائل دینی و کاربرد مسائل دینی در زندگی، طرح پرسش- های اساسی درباره مسائل دینی- جهت دستیابی دانش آموزان به سطوح بالای تفکر شناختی و برخورداری از تفکر انتقادی در محتوای برنامه درسی دینی ضروری به نظر می‌رسد، زیرا بدین وسیله عقاید دینی اسلام، یهود، مسیحیت با همه مذاهب آن، آئین بودا و هندوئیسم مورد بررسی قرار گرفته و با معرفی آموزه‌های گوناگون و در اختیار قرار دادن آن به طور یکجا، زمینه درک صحیح را برای دانش آموزان و همه کسانی که پروای دین دارند فراهم می‌شود.

پرسش دو: دانش آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در بعد عاطفی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند؟

برای تعیین اولویت نیازها، میانگین‌ها مرتب شد و ۶ نیاز با توجه به فراوانی آنها استخراج شد. جدول شماره (۲) که به ترتیب اولویت عبارتند از احساس تعهد و پایبندی نسبت به مسئولیت در زمان غیبت امام زمان (عج)، علاقه‌مندی جهت تقرب به خداوند، علاقه مندی به انجام اعمال نیک، امیدواری نسبت به آینده، احساس بدی نسبت به گناه، علاقه مندی به رعایت حقوق دیگران؛ اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان بوده است، هم‌چنین بالاترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در خصوص چگونگی احساس تعهد و پایبندی نسبت به مسئولیت در زمان غیبت امام زمان (عج) و پایین‌ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در زمینه اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان بوده است. این یافته‌ها با پژوهش کریمی (Karimi, 2002) همخوانی دارند.

از یافته‌های پژوهش چنین استنباط می‌شود که دانش آموزان شهر جهرم در بعد عاطفی، انگیزشی و نگرشی در مولفه‌های علاقه مندی به انجام اعمال نیک، امیدواری نسبت به آینده، احساس بدی نسبت به گناه، علاقه مندی به رعایت حقوق دیگران؛ اعتقاد به معاد و جزای عادلانه انسان، به آموزش کمی نیاز دارند، بنابراین بعد عاطفی تربیت دینی در دانش آموزان

این شهرستان قوی تر است و این شاید به خاطر تسلط بعد عاطفی در تربیت دینی دانش‌آموزان شهر جهرم نسبت به ابعاد دیگر تربیت دینی است.

باید توجه نمود که در بعد عاطفی با نیروهای روانی دانش‌آموزان سروکار داریم و بدون نیروی روانی یا همان بعد عاطفی نمی‌تواند شناخت‌های خود را به منصف ظهور و عمل برساند از این رو توجه به جنبه عاطفی دانش‌آموزان یعنی بعد انگیزشی و شکل دادن و پرورش انگیزه‌های مثبت و حذف انگیزه‌های منفی از وظایف مهم تربیت دینی است.

از سوی دیگر باید توجه داشت در بعد انگیزشی آن چیزی دانش‌آموزان را برانگیخته می‌کند که پاسخگو به نیازهای عاطفی و شناختی آنها باشد اما چه راه‌کارهایی برای جذب آنها نسبت به آموزه‌های دینی می‌توان اتخاذ کرد تا هم به شناخت آنها نسبت به دین عمق بخشد و هم از نظر عاطفی و انگیزشی، آنها را نسبت به دین متمایل کند؟ به نظر می‌رسد، بهترین روش برای جذب دانش‌آموزان و متمایل کردن آنها به ارزش‌های دینی، روشی است که هم عنصر شناخت و هم عنصر عواطف و هم عنصر انگیزش در آن لحاظ شده باشد، علاوه بر این، ارتباط با آنها ارتباطی دو سویه باشد؛ یعنی به آنها اجازه سؤال کردن، انتقاد و فرصت فکر کردن و انتخاب داده شود و از تحمیل، تحقیر و تحکم اجتناب گردد.

پرسش سه: دانش‌آموزان دوره متوسطه در حوزه تربیت دینی، در حیطه عملکردی به چه نوع آموزش‌هایی نیاز دارند؟

برای تعیین اولویت نیازها، میانگین‌ها مرتب شد و ۸ نیاز با توجه به فراوانی آنها استخراج شد. (جدول شماره ۳) که به ترتیب اولویت عبارتند از مشارکت در نماز جمعه، از حفظ خواندن آیات و روایات دال بر امامت، مشارکت در راهپیمایی‌های مذهبی، فعالیت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، توانایی اثبات امامت، انجام فریضه نماز در اول وقت، خویشتن داری، انجام اعمال توبه حقیقی، رعایت حریم در روابط زن و مرد، رعایت حقوق دیگران و روزه گرفتن بوده است که بالاترین اولویت و نیاز به آموزش در زمینه مشارکت در نماز جمعه و پایین‌ترین اولویت و نیاز مربوط به آموزش در خصوص روزه گرفتن بوده است.

با توجه یافته‌های پژوهش اکثر دانش‌آموزان در بعد رفتاری - عملکردی به آموزش در حد کم نیاز دارند، توجیه منطقی این است که دانش‌آموزان شهر جهرم غالباً از خانواده‌هایی مذهبی بوده بنابراین با تاثیر پذیری و الگو گیری از چنین خانواده‌هایی در بعد عملکردی احساس نیاز به آموزش در حد کم است. این یافته‌ها با پژوهش کریمی (Karimi,2002) همخوانی دارند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که در بعد رفتاری- عملکردی مربی در خانواده چه در جایگاه پدر و مادر و چه در جایگاه خواهر یا برادر باید سعی کند تا در دانش آموز فضایل اخلاقی به ملکات اخلاقی مبدل گردد، یکی از راه‌هایی که دانش آموز می‌تواند به وسیله آن دارای عاداتی نیک و رفتاری پسندیده گردد داشتن الگویی مناسب است، بهترین الگو برای دانش آموز در خانواده پدر و مادر است که در رتبه نخست قرار دارند، زیرا اگر چه محیط پیرامونی دانش آموز، جامعه، فرهنگ، حکومت و به خصوص مدرسه، تاثیر بسزائی در تربیت دینی و اخلاقی او دارند اما خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، برای این که این الگو-پذیری دانش آموزان از والدین در خانواده بنحو احسن صورت گیرد. مهمترین عامل یکی بودن کردار و گفتار در خانواده است. آنچه پدر و مادر می‌گویند و بدان عمل می‌کنند برای دانش‌آموز به منزله حجت تلقی شده و از اعتبار خاصی برخوردار است. بنابراین همخوانی کردار و گفتار تأییدی است بر آنچه والدین، فرزند خود را به آن ترغیب می‌کنند. عدم هماهنگی میان قول و فعل ایشان نه تنها نصایح آنان را بی‌اعتنا می‌سازد، بلکه موجب می‌شود تا شخصیت پدر و مادر نزد فرزند کم رنگ و بی‌رونق شده، در موارد دیگر نیز خود را به اطاعت از پدر و مادر نبیند.

بنابراین، در خانواده والدین به عنوان اصلی‌ترین عضو آن باید در تربیت دینی کودکان تلاش کنند تا متربی از سر شوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد، به نحوی که خود بتواند فطرت خداجوی خود را کشف کند و تجربه دینی را بطور حضوری شهود نماید. این ممکن نخواهد شد جز با عشق، عشق کلید تربیت دینی است. کسب فضایل اخلاقی باید به واسطه عشق به خداوند حاصل شود. انسان کامل کسی است که بتواند گرایش‌های والای انسانی، همچون کمال طلبی، حقیقت‌جویی، خداجویی، علم‌طلبی، عدالت‌خواهی را در خود کشف کند و بپروراند. در حقیقت جمال معنوی است که می‌تواند دل را مهیای کمال سازد برای شناخت حقیقت می‌توان از عقل و استدلال و نیز دل مدد جست.

در نهایت خانواده در تربیت دینی فرزندان و هدایت صحیح آنها بسوی رستگاری و اعمال صالح بیش‌ترین و موثرترین نقش را در برابر سایر عوامل دارد، هر چند که نقش عوامل دیگر را نمی‌توان انکار کرد اما اگر تربیت دینی در یک خانواده به نحو احسن و با نظارت و کنترل دقیق و دور از هر گونه افراط و تفریط صورت گیرد، می‌توان بر بسیاری از دوگانگی‌ها و عوامل مخرب و تاثیرگذار دیگر غلبه کرد.

پرسش چهار: آیا بین نیازهای آموزشی دانش آموزان دختر و پسر در بعد شناختی،

عاطفی، عملکردی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

مقایسه نیازهای آموزشی دختران و پسران نشان می‌دهد دختران در مقایسه با پسران ($t = -2/06, P = 0/04$) در بعد شناختی تفاوت دارند، به عبارتی دیگر دانش آموزان دختر به طور معنی داری ($P < 0/04$) نمرات بالاتری را در بعد شناختی بدست آوردند ولی هیچ تفاوتی بین دختران و پسران در بعد عاطفی، رفتاری - عملکردی دیده نشده است. نیازهای دختران و پسران به تفکیک در جدول شماره (۴) آورده شده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش و مجموعه مباحث و موضوعات دینی مورد علاقه دانش - آموزان در حوزه تربیت دینی با توجه به جنسیت آنها؛ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بعد شناختی، میزان اهمیت نیازهای آموزشی برای دختران و پسران از تفاوت معنی داری برخوردار می - باشد و این خود حاکی از آن است که نیازهای دینی این دو جنس متفاوت می‌باشد، و در مجموع یافته‌های پژوهش حاکی از متفاوت بودن نیازها، علایق و تجربیات دانش آموزان است. مسئله‌ای که بایستی در طراحی و اجرای برنامه‌های دینی مورد توجه جدی قرار گیرد و بعنوان منبع اطلاعاتی الهام بخش، اساس تصمیم گیری‌های برنامه درسی دینی باشد، بدین ترتیب لازم است در حد قابلیت و توانایی و نیز پرسش‌های دانش آموزان جا و فضای لازم برای بررسی و اندیشه ورزی آنان باز نمود.

پرسش پنجم: دانش آموزان دوره متوسطه به کدامیک از مهارت‌های (شناختی، عاطفی، عملکردی) نیاز بیشتری دارند؟

برای بررسی این پرسش از آزمون ضریب همبستگی کندال و خی دو استفاده نموده‌ایم که نتایج نشان داد بین نظرات دانش آموزان در اولویت دادن به نیازها تفاوت معناداری وجود دارد و دانش آموزان در انتخاب مهارت‌ها اولویت قائل هستند و در بعد شناختی نیاز بیشتری به آموزش دارند و این نیاز در شهر جهرم به ترتیب شامل شناختی، رفتاری - عملکردی و عاطفی می‌باشد. (جدول شماره ۵).

پیشنهادات

۱- با توجه به یافته‌های پژوهش در بعد شناختی پیشنهاد می‌شود در محتوی کتاب‌های درسی دینی به مطالعه ادیان گوناگون از جمله مسیحیت و یهودیت از منظر اسلامی پرداخته شود این خود کمک به برخورد عقلانی با تمدن‌های گوناگون و ایجاد واکنشی مناسب به جریان گفتگوی تمدن‌ها است.

۲- پیشنهاد می‌گردد در محتوای درس تعلیمات دینی دوره متوسطه به افزایش توانایی تجزیه و تحلیل مسائل دینی، توانایی کاربرد مسائل دینی در زندگی، توانایی پرسشگری درباره دین

و مسائل دینی، توانایی لازم جهت نقد و بررسی مسائل دینی و آشنایی با اصول مناظره و مباحثه در مسائل دینی توجه شود.

۳- پیشنهاد می‌شود سازماندهی محتوی درس دینی به‌گونه‌ای صورت گیرد که محتوی از نظر مواد و منابع اندیشه غنی نمایند و امکان کاوش آزادانه درباره مسائل گوناگون دینی و اخلاقی را به دانش آموزان بدهند.

۴- با توجه به عقلانیت در آموزش‌های دینی به مولفین کتب درسی پیشنهاد می‌شود در ارائه مباحث دینی از رویکردهای گوناگون مخصوصاً رویکرد مسئله محوری استفاده گردد.

۵- با توجه به اهمیت بعد شناختی در حوزه تربیت دینی پیشنهاد می‌گردد از روش‌های پرسش و پاسخ در سازماندهی محتوی برنامه درسی دینی استفاده گردد.

۶- از آنجائی که نیازسنجی از جایگاه روشن و بارزی در نظام برنامه ریزی درسی ایران برخوردار نیست پیشنهاد می‌گردد نیازسنجی در تصمیمات برنامه درسی به معنای واگذار کردن اختیارات به استان‌ها و مناطق برای انطباق و اصلاح برنامه درسی با نیازهای محلی دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

این پژوهش در قالب یک طرح تحقیقاتی با کد ۷۰۲ و با حمایت مالی معاونت تحقیقات دانشگاه پیام نور به انجام رسیده است از معاونت محترم آموزش و تحقیقات دانشگاه و همکارانی که در این طرح همکاری داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

Reference

- Andrew, D. (2010). Defending Religious Pluralism for Religious Education. *Journal Articles, opinion papers, Ethical and Education*
- Asadi, H. (2004). *Explannation and Critiqe of Consequences of Religious Pluralism for Religious Education*. M. A Thesis in History and philosophy of education. Tarbiat Modarres University. (In Persian)
- Bagheri, kh. (2002). *What religious education*, Tehran, Islamic Education Publish (In Persian)
- Bahonar, N. (2000). *Teaching religious concepts in line with Development Psycholoical*, Tehran, Islamic organizations. (In Persian)
- Bynqy, M (2000). *Needs assessment for the religious and moral education*, the Islamic Education Center, Tehran, Islamic Education Publications(In Persian)
- Fahy, p. (1993). *Faith in Classrooms: Theory and practice*, Home bush, New South Wales: St Paul

- Fathi Vajargah, K. (2000). *Toward a Model for Needs Based Curriculum Approach*. Tehran, Ministry of Education, Office t of Teacher Education and Manpower. (In Persian)
- Fathi Vajargah, K. (1998). *Assessment of educational curricula and textbooks*, Tehran, Ministry of Education, Office t of Teacher Education and Manpower. (In Persian)
- Feinberg.w.(2004). *Critical Reflection and Religious Education: How Deep?* Illinois University press.
- Helmesk.A. (1997). *Diagnosing Students Need.In International Encyclopedia of Teaching*. Edited by Anderson. Pergamon press.
- Karimi, G. (2002). *Students' attitudes towards religious education lessons and Quran (compare with other courses) in primary and secondary schools*. the Office of Consultation and Research, School of Education(In Persian)
- Kashavarz, S. (2009). *Damage Indicators and Religious Education*. Islamic education.summer. (In Persian)
- Kumar, M.(2010). *Exploring Educational Material Needs and Resources for Children Living in Poverty Online Submission*, Paper presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association (Denver, CO, Apr 30-May 4)
- Lynn, R. (2010). Religious Education, Conflict and Diversity: An Exploration of Young children s perceptions of Islam. *Journal Articles: Reports Evaluation*. Educational Studies
- Naghizadeh, A.(2001). *Looking back to the Philosophy of Education*, Tehran, Tahoor Publications. (In Persian)
- Nowrozi, N.(2010).Patterns of human relations In religious education whith an emphasis on the life of Imam Hussein. *Journal of Religious Thought of Shiraz University. Ser,33 ,winter*. (In Persian)
- Ranema, A. Tabatabai,F.(2006). Religious Education pathology from Tehrans point of view of school managers Tehran. *journal Daneshvar, vol. 13, N, 21*. pp43-52. (In Persian)
- Ruyter, J, Doret, M & S, Michael (2010). Why Education in Public Schools should include Religious Ideals, *Journal Articles, Reports Descriptive*. Studies in philosophy and education.
- Salahshoor, A. (2012). Limits of Moral Education Spiritual Education and Religious Education Administration. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational.Islamic Azad University Marvdasht*. (In Persian)
- Samadi,P.(2004). *The Ideal Religious Education Curriculum for high School Student and Its compatibility with the formal curriculum*. PhD thesis, School of Humanities Tarbiat Modarres University. (In Persian)

